

دانشکده ادبیات تبریز فشریحیه

سال سوم

اسفند ماه ۱۳۴۹

شماره ۸

ترجمه

گونه آثار ولتر، شیلر آثار راسین، روم. ربلکه آثار پول والری و از زبان فرانسه بر زبان آلمانی ترجمه کرده اند، شاتو بریان « پارادی پردو » اثر میاتن، بودلر « ایستواراکترالدینر » اثر ادگار پو، آلفرد وینیی « اتلو » ی شکسپیر، آندره ژید « آنتوان و کلوپاتر » آن شاعر را بزبان فرانسه، سلگل و تیک مجموع آثار ویرا از زبان انگلیسی بزبان آلمانی، روکرت شاهنامه فردوسی را از فارسی به آلمانی و فیتر جرد رباغیات عمر خیام را از فارسی به انگلیسی.



در ایران اغلب فضلاء و دانشمندان از ترجمه گریزانند و عقیده دارند که اگر بنا باشد مقاله ای نشر کنند حتماً باید مقاله ای باشد که نتیجه تحقیق و تتبع خودشان است و گرنه ترجمه از مقاله ای که دیگری نوشته است اگر چه نویسنده آن علامه دهر و خود آن بهترین مقاله ها و مفیدترین آنها برای جامعه باشد مقام علمیشان را پایین آورده در انظار مردم موهونشان خواهد ساخت.

ما باین فکر بکلی مخالفیم و در این مخالفت هم تنها نیستیم، ادبا و دانشمندان جهان نیز در این باب عملاً با ما موافقتند، چنانکه از دوره رنسانس تا کنون عده زیادی از آثار بکار ترجمه پرداخته کتابها و رساله ها و مقالات مفید به شماری از این راه به مرض استفاده عموم گذارده اند. باید در نظر داشت که:

اولاً - ترجمه چنانکه تصور میشود آسان نیست و ترجمه حسابی زبردستی مخصوصی میخواهد. ثانیاً - قدرت ترجمه هیچوقت دلیل عدم قدرت بنوشتن مقاله تحقیقی نیست. ثالثاً - در این نوع کارها باید استفاده جامعه را در نظر گرفت نه اثبات مقام علمی خود را، و هر کس با اندک توجهی تصدیق میکند که امروز برای ما ایرانیان ترجمه به مراتب از تحقیق و تتبع مفیدتر است، زیرا بدون رودر بایستی باید اعتراف کرد که وسایل تحقیق در ایران چنانکه باید فراهم نیست و اروپائیان در این باب از ما خیلی

جلوترند و موضوعهای بیشماری تحقیق و تدقیق کرده اند که ما هنوز از هزار يك آنها آگاه نیستیم. بنا بر این بجای اینکه وقت خود را صرف تحقیق موضوعی کرده بملت نداشتن وسایل کافی نتیجه ای ناقص و حتی اغلب نادرست بدست بیاوریم بهتر است همان وقت را در ترجمه بکار برده بجای يك موضوع بر چندین موضوع که بتمام معنی مورد تحقیق واقع شده است اطلاع پیدا کنیم، بخصوص که این کار خود باعتبار نتیجه فرقی با تحقیق و تتبع ندارد و برای تحقیقات آینده نیز میتواند یکی از مآخذ را تشکیل بدهد.

اما ترجمه چطور باید باشد؟ - معمولاً میگویند ترجمه خوب آن است که بوی ترجمه ندهد، یعنی مترجم مفهومیهای تعبیرات اصل را در قالبهائی ریخته باشد که در زبان ترجمه برای آنها مخصوص و معین شده است. به عقیده ما این تفسیر گرچه بطور مطلق درست است ولی کلیت ندارد و در هر ترجمه ای نباید انتظار داشت که بوی از ترجمه نداشته باشد. در ترجمه ناچار یکی از دو زبان فدای دیگری خواهد شد. در موضوعهائی که فقط مفهوم و حاصل عبارات مقصود است مانند قصص و حکایات و امثال آنها زبان اصلی را باید فدا کرد و در موضوعاتی که مفردات و طرز تعبیر گوینده نیز منظور است زبان ترجمه را باید فدا ساخت و نترسید از اینکه ترجمه بوی ترجمه بدهد، بلکه در بعضی مواقع اگر لزومی دیده شود عین عبارات اصل را نیز باید قید کرد. ترجمه ای که در شماره گذشته از بعضی قسمتهای کتاب « طبایع الحیوان » بعمل آمده بود و دنباله آن در همین شماره ادامه دارد از این قبیل یعنی از نوع ترجمه دقیق است، چنانکه پرفسور مینورسکی نیز در ترجمه خود از آن کتاب همین نوع را اختیار نموده و علت آنرا هم در مقدمه بیان کرده بود (رجوع شود بشماره گذشته، ص ۳۹، س ۱۰ - ۱۲) و ما امیدواریم در ترجمه هائی که برای نشریه صورت خواهد گرفت اصل مزبور یعنی « اختلاف نوع ترجمه با اختلاف موضوع » همیشه رعایت شود.

هیئت تحریریه